

مطالعه مورد پژوهانه در تأثیر قرآن در ادبیات فارسی

(اشعار بهار)

وحید سبزیان پور^۱

چکیده

محمد تقی بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰ش) مشهور به ملک الشعرا در آثار خود به ویژه اشعار دوران جوانیش، متأثر از محتوا و شیوه بیانی قرآن کریم است. وی در اشعار خود هفت گونه از آیات و مفاهیم قرآن استفاده می‌کند. در مواردی از مفاهیم قرآن بدون استفاده از لفظ اقتباس می‌کند، در بخشی از ابیات از یک کلمه قرآنی یا بخشی از یک آیه برای افاده مفهوم آیه و در بسیاری از ابیات به جای کلمات فارسی الفاظ و اصطلاحات ویژه قرآنی را به کار می‌برد. در پاره‌ای از ابیات یک آیه کامل (یک مفهوم کامل) را برای افاده لفظ و معنی می‌آورد و در موارد دیگری تغییرات جزئی در آیات به وجود آورده، تا مناسب با قالب و وزن شعر گردد و از اشاره‌های تلمیحی استفاده بسیار می‌کند. آیات موجود در دیوان او اغلب دارای مفاهیم اعتقادی و اخلاقی است، در بخش تلمیح به پیامبران کاربرد آیات بیشتر برای توصیف امور عادی زندگی و غالباً تشبیه و تمثیل است. تحولات فکری در طی دوران زندگی او را به تدریج از افکار دینی و قرآنی به سوی وطن پرستی، مبارزه با استبداد و تجدد سوق می‌دهد. به گونه‌ای که تأثیر قرآن در اشعار او کاهش یافته، در خدمت توصیف امور زندگی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها قرآن، محمد تقی بهار، سیر شعر بهار.

طرح مسأله

مسأله تحقیق حاضر، تأثیرپذیری ملک الشعرا بهار از قرآن کریم به عنوان نمونه‌ای از تأثیر قرآن در ادبیات فارسی است و این مسأله قابل تحلیل به سه مسأله عمده است.

۱. استادپار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی

۱- آیا بهار اساساً از قرآن تأثیر پذیرفته است؟ در این صورت شیوه و گونه این تأثیر پذیری به چند شکل است؟

۲- اهداف و زمینه‌های استفاده از آیات قرآن در شعر بهار چیست؟

۳- سیر تحول فکری بهار در استفاده از آیات قرآن چگونه است و در چه دوره‌ای از حیات شعری خود آیات و مفاهیم قرآنی را بیشتر به کار گرفته است؟
روش پاسخ به مسائل یاد شده، تحلیل محتوایی همه اشعار بهار و مطالعه تطبیقی با قرآن کریم است.

با توجه به اینکه براساس اطلاعات موجود تا به حال پژوهشی نظام‌مند در این خصوص صورت نگرفته، مطالعه حاضر نخستین پژوهش معطوف به تأثیر پذیری بهار از قرآن و گامی مؤثر در توسعه مطالعات نظام‌مند در تأثیر قرآن بر ادبیات فارسی است.
فرضیه‌های تحقیق ۱- بهار متأثر از قرآن و فرهنگ قرآنی است و این تأثیر پذیری متنوع است.

۲- شعر بهار همزمان با احراز مقام ملک الشعرائی آستان قدس به کمال می‌رسد. فضای ذهنی شاعر در این دوره کاملاً دینی و قرآنی است. موضوع اغلب اشعار و قصاید دوره اول زندگی او مدح پیامبر(ص) و امامان و نیز دفاع از آزادی و مبارزه با استبداد است به طوری که در همه آثار این دوره الفاظ و مفاهیم قرآنی به وفور دیده می‌شود. رویکرد بهار به مفاهیم و الفاظ قرآنی با ورود به صحنه سیاست، روزنامه نگاری و نمایندگی مجلس در طی ۵۰ سال حیات شعری او (۱۲۸۰-۱۳۳۰ش) به تدریج کاهش محسوس می‌یابد (نک: نمودار شماره ۱).

۳- بهار در ابتدای دوره شاعری خود آیات و الفاظ قرآنی را در جهت اثبات و تأکید عقاید دینی و مذهبی به کار می‌برد، ولی به تدریج به علت تحولاتی که در عقاید و آرای او پیش می‌آید، فضای فکری او تغییر می‌کند و در خدمت تصویر سازی‌های شاعرانه از حوادث روزگار و امور زندگی قرار می‌گیرد.

تأثیر قرآن بر ادبیات

با ظهور اسلام، قرآن و مفاهیم الهی آن، در زبان و فرهنگ عربی به قدری تأثیر گذاشت

که نه تنها در مدت کوتاهی لهجه‌های موجود در حجاز را از صحنه خارج کرد، بلکه به علت تعابیر حکیمانه و نیز بلاغت جذاب بی نظیرش، اعجاب همگان را برانگیخت، به گونه‌ای که پس از آن کمتر پدیده اجتماعی وجود داشت که رنگ و بوی قرآن و سنت پیامبر را نگرفته باشد. ایرانیان از دیرباز استقبال و اعجاب خود را از آیات الهی در آثار هنری بزرگ خود از جمله شاهنامه، مثنوی معنوی، بوستان و گلستان نشان داده‌اند.

آشنایی بهار با قرآن و ادبیات عربی

محمد تقی بهار مشهور به ملک الشعراء بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰ ش) شاعر، محقق، روزنامه نگار، تاریخ‌نویس، مترجم و منتقد سیاسی اجتماعی معاصر است که قصایدش به سبک خراسانی است. وی با تحول و توسعه روز افزون دانش اجتماعی، حضور در صحنه سیاست و چهار دوره نمایندگی مجلس و آشنایی با زبان و فرهنگ ایران باستان و نیز زبان پهلوی، از کسوت ملک الشعراء آستان قدس رضوی به ستایشگر صلح و آزادی درآمد و از مبارزان پیشگام روزگار خود در مقابل خودکامگی و استبداد شد (دیوان، مقدمه، سنی و یک).

بهار در سن چهار سالگی قرآن را نزد زن عمویش فراگرفت و در سن شش سالگی که به مکتب رفت، فارسی و قرآن را به خوبی می‌خواند و در هفت سالگی شاهنامه را نزد پدرش خواند. وی اصول ادبیات و مقدمات عربی را ابتدا نزد پدرش و سپس در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و علی‌خان درگزی در مدرسه نواب مشهد به خوبی می‌آموزد (آرین پور، ۱۲۴).

تأمل در اشعار او نشان می‌دهد که با کتب تفسیر و روایات اسلامی آشنایی کامل داشته است، چنانکه اشعار خود را ترجمانی از سخنان آسمانی می‌داند.

گوش جان بگشا و بشنو زانکه اشعار بهار

صحبت کرو بیان را ترجمانی دیگر است (دیوان، ۱۱۵۵).

از اشارات او در لابلای دیوانش به اشعار عرب، استفاده از ضرب المثل‌های عربی و تاریخ ادبیات عرب معلوم می‌گردد که با آثار بزرگ ادب عربی به خوبی آشنا بوده است. او خود در یکی از قصایدش در باره آشنایی با ادبیات عربی می‌گوید:

به نظم و نثر دری فایق و به تازی چیر
به پهلوی و اوستاست پهلوان ادب
به صرف و نحو و معانی و اشتقاق لغات
جز او که باشد امروزه ترجمان ادب (همان، ۷۱۸).
او معتقد است که زبان عربی و فارسی موجب اقتدار ملی است، بنابراین در پندهای
خود به فرزندش، او را تشویق به فراگرفتن زبان عربی می‌کند.
ز درس پارسی و تازی احتراز مکن
که این دو قوت ملی علی‌الدوام دهد (همان، ۵۹۰).

۱- گونه‌های مختلف تأثیر پذیری از قرآن

یکی از وجوه بلاغت که از محسنات کلام محسوب می‌شود، اقتباس است و آن عبارت
است از به کارگیری آیات قرآنی به اشکال مختلف در کلام (جازم، ۲۷۰).
در دیوان بهار که بیش از ۱۳۰۰۰ بیت است، هفت‌گونه اقتباس از آیات و مفاهیم قرآن
دیده می‌شود.

۱- اقتباس از مفاهیم قرآن بدون استفاده از لفظ آیه صورت گرفته است.
۲- در بخشی از ابیات از یک کلمه قرآنی یا بخشی از یک آیه برای افاده مفهوم آیه
استفاده می‌کند که این نوع اقتباس «عقد» نام دارد (تفتازانی، ۴۳۱).
۳- در ابیات بسیاری به جای کلمات فارسی اصطلاحات ویژه قرآنی را به کار می‌برد.
۴- گاه دو واژه قرآنی را از دو جای قرآن با هم ترکیب می‌کند.
۵- در پاره‌ای از ابیات یک آیه کامل (یک مفهوم کامل) را برای افاده لفظ و معنی
می‌آورد.

۶- گاه تغییرات جزئی در آیات به وجود آورده تا مناسب با قالب و وزن شعر گردد.
۷- از اشاره‌های تلمیحی به حوادث زندگی پیامبران که فهم آنها موقوف به آگاهی از
آیات مربوط به آنهاست، استفاده بسیار کرده است.

۱-۱- استفاده از مفاهیم قرآن بدون اشاره لفظی به آیه مربوط
با استقصا در دیوان بهار به ۲۶ مورد از این نوع اقتباس برمی‌خوریم.

- ۱-۱-۱- هزار مرتبه صائب‌تر است و نافذتر
زیلیک (نوعی تیر) شهب اندر مصاف دیو رجیم (دیوان، ۱۳۷).
آن ماهی زریں که سوی تک دود از سطح
چون تیر شهابست که بر دیو نشانست (همان، ۷۳۹).
ولقد جعلنا فی السماء بروجا وزیناها للناظرین و حفظناها من کل شیطان رجیم الا
من استرق السمع فأتبعه شهاب مبین (حجر/ ۱۶-۱۸).
شاعر در بیت اول، فکر علی (ع) را دقیق‌تر از شهابهای آسمانی می‌داند که به سوی
شیاطین پرتاب می‌شوند. در بیت دوم، حرکت ماهی طلایی را در سطح آب به این شهابها
تشبیه می‌کند.
- ۱-۲-۱- چه مدح گویم آن را که از جلالت قدر
خدای عزوجل مدحتش مکرر کرد (همان، ۲۶۴)
انک لعلی خلق عظیم (قلم/ ۴)
و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین (انبیاء/ ۱۰۷)
شاعر خود را در مقام مدح پیامبر عاجز می‌بیند زیرا حق تعالی پیامبر را در مواردی از
جمله دو آیه مذکور ستوده است.
- ۱-۳-۱- روی چوون آهن تفته سپر
بر جبینشان گشته رسم آیات شر (همان، ۸۰۳)
يعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالنواصی و الأقدام (الرحمن/ ۴۱)
بهار در قصیده «نکیر و منکر» خود، در عالم خیال، نشانه‌های شر را در پیشانی نکیر و
منکر می‌بیند.
- ۱-۴-۱- گفت حکمت را خدا خیر کثیر
هر کجا این خیر را دیدی بگیر (همان، ۱۰۳۴)
یؤتی الحکمة من یشاء و من یؤتی الحکمة فقد اوتی خیرا کثیراً (بقره/ ۲۶۹) [به
هر کس حکمت داده شود، خیر بسیاری به او داده می‌شود].
- ۱-۵-۱- هیچ کس در جهان جز مدتی معدود نیست
غیر ذات حق تعالی جاودان موجود نیست

(همان، ۷۱۳، نک: ۱۲۳۰، ۱۲۵۳).

کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام (الرحمن/ ۲۶-۲۷)

۱-۱-۶- آفرین باد بر ایزد که چنان روی آراست

به هوای تو شدم شهره شهر اینت شگفت (همان، ۱۰۶)

تبارک الله احسن الخالقین (مؤمنون/ ۱۴)

۱-۱-۷- از مکر دم درکش چنین گفت حق

حق را دگرگون مکن (همان، ۱۳۰)

این بیت اندرز شاعر به سلطان محمد خامس «پادشاه عثمانی» در قصیده‌ای با عنوان «اهلا و سهلا» است. مصراع دوم این بیت از لا تلبسوا الحق بالباطل (بقره/ ۴۲) گرفته شده است.

۱-۱-۸- که خدا شاهدیست هرجایی لیک رخ بسته از تماشایی (همان، ۸۳۱)

هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن (حدید/ ۳) و لله المشرق و المغرب فاینما تولوا

و جوهکم فثم وجه الله (بقره/ ۱۱۵)

۱-۱-۹- محشری بیگنه هلاک شدند

خاک بودند و باز خاک شدند (همان، ۹۳۳)

این بیت اشاره به خلقت انسان از خاک و بازگشتن به خاک دارد.

منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم مرة اخرى (طه/ ۵۵)

بیت یاد شده مربوط به شورش مردم خراسان در زمان پهلوی اول است که در آن

واقعه جمعی بیگناه کشته شدند.

۱-۱-۱۰- خدا باشد به نزد اهل بینش

نگهدار نظام آفرینش (همان، ۹۳۳)

ان الله یمسک السموات و الارض ان تزولا (فاطر/ ۴۱)

۱-۱-۱۱- اگر قسمت به سعی است و به کوشش

چنان کاندرا قرآن فرمود مولا

چرا پیوسته قومی در تنم

چرا همواره قومی در تقلا (همان، ۷۶۱)

و ان لیس للانسان الا ما سعی (نجم/۳۹)

۱-۱-۱۲- گر به ما بد رسد گناه از ماست

ور رسد نیکی آن ز سوی خداست (همان، ۹۰۲)

ما اصابك من حسنة فمن الله و ما اصابك من سيئة فمن نفسك (نساء/۷۹)

[آنچه نیکی به تو می‌رسد از طرف خداست و آنچه بدی به تو می‌رسد از ناحیه توست].

۱-۱-۱۳- چیزی که درو فایدتی هست بماند

نابود شود آنچه درو فایدتی نیست (همان، ۱۲۱۴)

فاما الزبد فيذهب جفاء و اما ما ينفع الناس فيمكث في الارض (رعد/۱۷)

شاعر در مذمت ظلم و ظالم با اشاره به قرآن کریم، ظالمان را از ستم نهی و آنها را تشویق به اعمال صالح و باقی می‌کند (نک: دیوان، ۹۱۷).

۱-۱-۱۴- صفاهان اگر نیست شیراز هست

خدای جهان را جهان تنگ نیست (همان، ۱۲۱۶)

بهار پس از تبعید به اصفهان، از طرف شهربانی آن روزگار در فشار قرار می‌گیرد و به

ناچار قصد شیراز می‌کند و می‌گوید زمین خدا تنگ نیست.

قالوا الم تكن ارض الله واسعة (نساء/۹۷)

۱-۱-۱۵- جان می‌دهد خدا به گنهکار هر دمی

تا هر دمی ازو بستاند جان او (همان، ۱۵۸)

كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها ليذوقوا العذاب (نساء/۵۶)

شاعر شدت عذاب الهی را برای ستمگران، در قیامت یاد می‌کند، به این امید که دست از ستم بردارند.

۱-۱-۱۶- سرسری بر پا نگشته این بنای با شکوه

هان و هان تا خود پنداری مر آن را سرسری (همان، ۳۶۴)

و ما خلقنا السماء و الارض و ما بينهما لاعبين (دخان/۳۸)

۱-۱-۱۷- بدار این سه مقصود را نصب عین

نخستین خدا، زان سپس والدین (همان، ۱۱۰۹)

و قضی ربک الا تعبدوا الا اياه و بالوالدین احسانا (اسراء/۲۳)

۱-۱-۱۸- ایزد از او به خلق نمود امروز

احسان بی نهایت و حد را (همان، ۱۳۴)

در مدح پیامبر می گوید: خداوند با ولادت پیامبر احسان بی نهایت به مردم کرد.

لقد من الله على المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا (آل عمران/۱۶۴)

۱-۱-۱۹- از تو گر مادر تو نیست رضا

دان که راضی نبود از تو خدا

وای اگـر خـنـده گـسـتاخ کنی

گر کنی وای بر او وای به تو (همان، ۱۰۱۰)

و قضی ربک... و بالوالدین احسانا... فلا تقل لهما اف (اسراء/۲۳)

۱-۱-۲۰- قصاص ارچه خون را به خون شستن است

ولیکن به صد حکمت آستن است (همان، ۱۰۶۹)

و لکم فی القصاص حیاة یا أولى الألباب (بقره/۱۷۹)

۱-۱-۲۱- بود معزای آن کریمه مغفور

پر ز خلاق بسان عرصه محشر (همان، ۱۲۳۴)

مجلس ختم همسر یکی از همکاران خود را از شدت ازدحام به صحرای محشر

تشبیه می کند (نک: همان، ۸۵۱) یوم نحشرم جمیعا (یونس/۲۸)

۱-۱-۲۲- حسودان به پیغمبر هاشمی بیستند

از این گونه بس افترا

که شعر است قرآن و بی معنی است

الف لام میم الف لام را (همان، ۴۲۲)

یقولون ائنا لتارکوا آلہتنا لشاعر مجنون (صافات/۳۶)

۱-۱-۲۳- در غدیر خم یزدان گفت مر پیمبر را

کز پی کمال دین شو پذیره حیدر را (همان، ۱۲۳)

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی (مائده/۳)

- ۱-۱-۲۴- نخوانده درس مجازی ولی به مدرس حق
هزار درس حقیقت نخوانده از بر کرد (همان، ۲۶۳)
الذین يتبعون الرسول النبي الأمي (اعراف/ ۱۵۷)
- ۱-۱-۲۵- به روی تو صنما ختم شد نکو رویی
چو بر پیغمبر ما ختم شد پیامبری (همان، ۲۴۱).
ما کان محمدا... ولكن رسول الله و خاتم النبیین (احزاب/ ۴۰)
- ۱-۱-۲۶- گویی چرا یکی است خدا یا رسول کیست
اینان ز مادر و ز پدر حجت آورند (همان، ۲۶۹)
قالوا انا وجدنا آباءنا لها عابدين (انبیا/ ۵۳)

۱-۲- اشاره به معنای یک آیه با ذکر یک کلمه یا بخشی از آیه

- موارد مذکور در این بخش نیز به شکل استقصای کامل بررسی شده است.
- ۱-۲-۱- تا شوی فارغ بهار از بازپرس ایلهان
صوم رحمان گیر و چندی در سخن امساک کن (همان، ۱۱۹۸)
صوم رحمان، روزه سکوت و مربوط به حضرت مریم است. آنگاه که مردم او را در
معرض اتهام قرار دادند. شاعر در اثر فشار نظمیه تصمیم به سکوت می‌گیرد و با استفاده
از تعبیر حضرت مریم، اصطلاح صوم رحمان را به کار می‌برد.
فقولی انی نذرت للرحمان صوما فلن اکلم الیوم انسیا (مریم/ ۲۶)
- ۱-۲-۲- عذر جنایات را ز جان گواه آورید
فلیستجیوا لکم ان کتتم صادقین (همان، ۱۷۵)
فلیستجیوا لکم ان کتتم صادقین (اعراف/ ۱۹۴)
- ۱-۲-۳- کنندیم و کافتیم و به هر سو شتافتیم
دیدیم سبعهای سمان و عجافها (همان، ۵۷۵)
سبعهای سمان و عجافها (هفت گاو چاق و لاغر) کنایه از خوب و بد و حوادث تلخ و
شیرین است. شاعر این تعبیر را از این آیه گرفته است: انی أری سبع بقرات سمان
یا کلهن سبع عجاف (یوسف/ ۴۳)

۱-۲-۴- ذکرشان لا یكلف الله است

همه از ضعف نفس و وسع فلان (همان، ۶۳۱)
در اوصاف مردم تهران، آنها را تنبل و کاهل می‌نامد و می‌گوید: در هر کار دشواری با
استناد به این آیه شانه از بار مسؤولیت خالی می‌کنند: لا یكلف الله نفسا الا وسعها
(بقره/۲۸۶).

۱-۲-۵- اتقوا خوانده‌اند و لا تلقوا

همگی از حدیث و از فرقان (همان، ۶۳۱)
در وصف کاهلی مردم تهران می‌گوید: برای فرار از وظیفه، به احادیث (اتقوا من
مواضع التهم) و آیات قرآن [خود را با دست خود به هلاکت نرسانید] دست می‌یازند.
ولا تلقوا بایدیکم الی التهلكة (بقره/۱۹۵)
۱-۲-۶- روح تمدن به لب آیه امن یجیب

دین محمد یتیم کشور ایران غریب (همان، ۲۵۸)
تعبیر «امن یجیب» برای افاده معنی پریشانی، در بیت ۹۴۲ نیز آمده است
آیه امن یجیب... در حالت اضطرار خوانده می‌شود. شاعر از خطر حمله روس
تزاری به مردم هشدار می‌دهد و می‌گوید: تمدن ایران در خطر و اضطرار قرار دارد و
نزدیک است که دین پیامبر مهجور و غریب شود.
امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء (نمل/۶۲)

۱-۲-۷- کرد صفاهان ز عدل پرسش و حق داد

ز آیه لا تقنطوا جواب صفاهان (همان، ۳۲۲)
در توصیف عدالت و حق طلبی اصفهان و مردم آن می‌گوید: اصفهان از خدا عدالت و
حق خواست، خدا هم آن را ناامید نکرد. در این بیت آیه لا تقنطوا... به معنی اجابت حق
به کار رفته است.

لا تقنطوا من رحمة الله (زمر/۵۳)

۱-۲-۸- آیه والقلم باید خواند

مر قلم را علم بیاید کرد (همان، ۳۵۹)
بهار در قصیده «چه باید کرد»، با استناد به نون و القلم مردم را به فراگیری علم و

دانش تشویق می‌کند.

ن و القلم و ما یسطرون (قلم/۱)

۹-۲-۱- تنگ خفتن چه سود با جبرائیل

در بن گوش صور اسرافیل (همان، ۸۵۴)

غریبو و هلهله زانبوه مرد و زن برخاست

توگفتی آنکه دمیدند صور اسرافیل (همان، ۳۳۳)

جبرائیل از فرشتگان مقرب الهی است، در بیت اول، جبرائیل را به جای دوست خوب و گرامی به کار برده است. این دوست در هنگام خواب، خر و پف‌های بلندی می‌کرده است که آن را تشبیه به صور اسرافیل کرده است.

در بیت دوم، در بیان اعدام یکی از اشرار تهران (ماشالله خان)، می‌گوید: پس از بالا کشیدن طناب، مردم از شادی چنان هلهله کشیدند که گویی اسرافیل برای اعلان قیامت در بوق خود دمید. در قصیده «در حال تب» فکر روشن خود را بهشت و تب را جهنم توصیف می‌کند و می‌گوید: این بهشت و آن جهنم بی نفخ صور جمع شده‌اند (نک: همان، ۵۷۷).

فان الله هو مولاه و جبریل و صالح المؤمنین (تحریم/۴)

یوم ینفخ فی الصور فتأتون افواجا (نبا/۱۸)

۱۰-۲-۱- عرب ار دیدی آن خوب فواکه کاناچاست

بر نخواندی به قسم والتین و الزیتونا (همان، ۵۰۳)

این بیت را در قصیده «گلستان» در وصف دامنه‌های زیبای البرز و شمیران و میوه‌های دلپذیر آنجا گفته است.

و التین و الزیتون و طور السینین (تین/۱-۲)

۱۱-۲-۱- این تجارت نفع دارد از دو سو

لن تنالوا البر حتی تنفقوا (همان، ۴۳۸)

برای تشویق مردم به کارهای خیر و انفاق به مستمندان، از لن تنالوا البر حتی تنفقوا

مما تحبون (آل عمران/۹۲) استفاده کرده است.

۱-۲-۱۲- پیش جمع آن مقتدای نیک خو

گفت سر والذین هاجروا (همان، ۱۰۲۱)

در وصف خطابه یکی از واعظان مشهد می‌گوید: آن پیشوای نیک سیرت درباره جهاد و شهادت حرف می‌زد.

والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم الله رزقاً حسناً (حج/۵۸)

۱-۲-۱۳- خود سرانه به هر طرف پویان

همه آوی الی الجبل گویان (همان، ۸۸۱)

در حکایتی در وصف فرار مرغان از دام صیاد، حرکت آنها را به سوی کوه با تعبیر

آوی الی الجبل [به کوه پناه می‌برم] بیان می‌کند که از جواب پسر نوح به پدرش گرفته شده است، آنگاه که به پسر گفت: «یا بنی اربک معنا»

قال ساوی الی الجبل یعصمنی من الماء (هود/۴۳)

۱-۲-۱۴- به زیر بیرق نصر من الله‌اند و کنند

مه و ستاره نثار پاکستان (همان، ۸۲۱)

پس از استقلال پاکستان، بهار قصیده «یادگار بهار به پاکستان» را با احساساتی گرم سرود و آرزو کرد که این کشور مسلمان در سایه لطف و عنایت حضرت باری تعالی باشد.

نصر من الله وفتح قریب و بشر المؤمنین (صف/۱۳)

۱-۲-۱۵- خاکیان نیز به برچیدن هنگامه دیو

بر زمین بانگ توکلت علی الله زدند (همان، ۴۰۰)

انی توکلت علی الله (هود/۵۶)

۳- استفاده از اصطلاحات قرآنی به جای فارسی

اصطلاحات قرآنی که وارد زبان فارسی و در نتیجه شعر بهار شده، بسیار زیاد است، در این بخش از شواهدی مثل «حج»، «فتنه»، «ظلم» و... به علت فراوانی و آمیختگی با زبان فارسی خودداری شده و برای نمونه به ده مورد از حدود چهل مورد خاص قرآنی اشاره می‌شود.

- ۱-۳-۱- سلوی و من (همان، ۶۲۳)، (بقره/۵۷)
- ۱-۳-۲- کوثر و تسنیم (همان، ۱۲۵۱، ۱۳۷)، (مطففین/۲۷) و (کوثر/۱)
- ۱-۳-۳- مهیمن (همان، ۱۲۸۵، ۱۲۴۷)، (حشر/۲۳)
- ۱-۳-۴- آفاق و انفس (همان، ۱۱۰، ۳۶۴) (فصلت/۵۳)
- ۱-۳-۵- اولی الابصار (همان، ۲۴۷) (آل عمران/۱۳)
- ۱-۳-۶- این المفرد (همان، ۱۰۳۶) (القیامه/۱۰)
- ۱-۳-۷- الست (همان، ۹۵۹) (أعراف/۱۷۲)
- ۱-۳-۸- نقیر و قطمیر (همان، ۸۸۴) (نساء/۴)، و (فاطر/۱۳)
- ۱-۳-۹- مالک الملک (همان، ۶۴۸) (آل عمران/۲۶)
- ۱-۳-۱۰- بئس القرار (همان، ۴۲۶) (ابراهیم/۲۹)

۱-۴- استفاده از اصطلاحات قرآنی با تغییر یا ترکیب کلمات

- ۱-۴-۱- طوبی لک و ویل لک (همان، ۵۳۱).
- در قرآن کریم اصطلاح «ویل لک» نیامده، اما کلمه «ویل» بیش از سی بار به صورت ویل لهم (رعد / ۲۹) و ویل للمکذبین... آمده است. «طوبی لک» نیز در قرآن نیامده ولی به شکل طوبی لهم (رعد / ۲۹) آمده است.
- ۱-۴-۲- محکم و متشابه (همان، ۶۴۲) (آل عمران / ۷). در قرآن محکمت و متشابهات آمده است.
- ۱-۴-۳- حبل المتین (همان، ۶۶۴) (آل عمران / ۱۰۳)، (قلم / ۴۵) حبل و متین با هم در قرآن نیامده است.

۱-۵- ذکر آیات با الفاظ و معنی کامل

- ۱-۵-۱- ز دار فانی بگرفت ره سوی باقی
که گفته است خدا کل من علیها فان (همان، ۱۲۵۳)
- کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام (رحمن / ۲۶-۲۷)
- ۱-۵-۲- ز آب حیوانش حی می شود لا شیء
و من الماء کل شیء حی (همان، ۲۷۶)

من الماء كل شيء حي (انبیا/ ۳۰)

۱-۵-۳. والله خیر الماکرین گفت حق

رو مکر و افسون مکن (همان، ۱۳۰)

والله خیر الماکرین (آل عمران/ ۵۴)

۱-۵-۴. غم نیست گر خصم از ریاگیرد خطا بر اتقیا

گیرند زندیقان خطا بر قل هو الله احد (همان، ۴۲۸)

قل هو الله احد (اخلاص/ ۱)

۶- تغییر در کلمات آیه

این تغییر غالباً برای هماهنگی با وزن و قافیه شعر صورت می‌گیرد.

۱-۶-۱. اگر در قعر دریا ماهی ای کور

ببرون آرد سر از این معدن نور

بشر هم پی برد از سر بیچون

تعالی وصفه عما یقولون (همان، ۹۹۲)

سبحانه و تعالی عما یصفون (انعام/ ۱۰۰)

۱-۶-۲. ناصر ملت نمود فتحی بس نامدار

هذا فتح قریب هذا نصر مبین (همان، ۱۶۲)

و آخری تحبونها نصر من الله و فتح قریب (صف/ ۱۳)

۱-۶-۳. جمله خطا رفته‌اند جمله خطا کرده‌اند

فلا توجه لهم دعهم فهم خاطئون (همان، ۱۷۵)

لا یأكله الا الخاطئون (حاقه/ ۳۷)

۷-۱. اشاره تلمیحی به پیامبران و اقوام آنها

لازم به توضیح است که تلمیح فقط به معنی نام بردن از پیامبران نیست، بلکه لازم است که در ژرف ساخت آن، تشبیه و تناسب بین مطلب و داستان وجود داشته باشد (شمیسا، نگاهی...، ۹۰).

به‌گرد تیه ناکامی چهل سال

گذر چون موسی عمران گرفتم (همان، ۷۹۱)

در این بیت، شاعر علاوه بر اشاره به داستان مفصل سرگردانی و ناکامی قوم موسی در بیابان، خود را به آنها تشبیه می‌کند. ادخلوا الارض المقدسة... قالوا یا موسی انا لن ندخلها... فاذهب انت و ربک... فانها محرمة علیهم أربعین سنة یتیهون فی الارض... (مائده/۲۱-۲۶)

در این بخش برای رعایت اختصار، به مفهوم ابیات و شماره آیات اشاره می‌کنیم.

۱-۷-۱- آدم و حوا

۱-۱-۷-۱- هبوط از بهشت

رنج و زحمت خود را در این دنیا در نتیجه اشتباه حضرت آدم و حوا و طرد آنها از بهشت می‌داند (همان، ۱۱۹۴)، (طه/۱۲۰)، (بقره/۳۶).

۱-۲-۷-۱- ابراهیم

۱-۲-۷-۱- ابراهیم و آتش

آتشی که نمرود برای سوزاندن ابراهیم به پا کرد و به اذن خدا تبدیل به گلستان شد، آتش دستاویزی برای نشان دادن حرارت بسیار، آتش بزرگ، سرخی و... شده است. شاعر در وصف مسیر تهران-کاشان، قنات و سایه بین راه را در گرمای شدید به گلستان ابراهیم و آتش نمرود تشبیه کرده است (همان، ۹۹۹). مناطق سبز و آباد جنوب کشور را مانند آتش خلیل دانسته، شکوفه‌های سرخ میوه‌ها را مانند آتش ابراهیم می‌بیند (همان، ۵۰۳، ۴۵۳). در وصف سرمای راه مشهد-تهران، در شرح سرمای فراوان و پناه بردن به آتش، سرما را مثل نمرود و خود را مثل ابراهیم می‌انگارد که سرما او را در آتش انداخته است (همان، ۲۵۵، نک: ۹۹۸، ۱۱۷۷)، (انبیاء/۶۹).

۱-۳-۷-۱- ایوب

۱-۳-۷-۱- ایوب و صبر

بهار معتقد است که آدمی باید در کشاکش روزگار داستان صبر ایوب را بخواند و از او عبرت بگیرد (همان، ۱۲۳۱)، (ص/۴۴).

۱-۷-۴- داوود

۱-۷-۴-۱- نرم بودن آهن در دست داوود (آهنگری)

شاعر رسیدن به هنر و کمال را در گرو شاگردی و دانش آموزی می‌داند و برای این مقصود از شغل نوح نبی (نجاری) و شغل داوود (آهنگری) نام می‌برد (همان، ۱۱۷۰). در قرآن کریم به شغل نوح اشاره نشده ولی به نرم بودن آهن برای داوود و ساختن زره آهنی اشاره شده است (سبأ/۱۰).

۱-۷-۵- سلیمان

۱-۷-۵-۱- سلیمان و تسخیر باد

در سفر به باکو هواپیما را به فرشی سلیمان گونه تشبیه کرده که باد را مسخر کرده بود (همان، ۷۶۷)، (ص/۳۵).

۱-۷-۵-۲- عظمت سلیمان

بهار رابیندرانات تاگور شاعر و فیلسوف معروف هندی را در مثنوی «هدیه تاگور» از جهت بزرگی و حشمت به سلیمان تشبیه می‌کند (نک: همان، ۹۶۱). این تشبیه براساس آیات صورت گرفته است (نمل/۱۵)، (ص/۳۴).

۱-۷-۵-۳- سلیمان و مور

در توصیه به گریز از سیاست و خطر تقرب به حاکمان می‌گوید: ای خوش آن موری کز او باشد سلیمان بی خبر (همان، ۷۲۶)، (نمل/۱۷).

۱-۷-۶- عاد (عذاب قوم عاد)

صرصر در معنی عذاب مرگبار در چند جای دیوان بهار به کار رفته، از جمله شاعر در قصیده «دماوندیه» از کوه دماوند می‌خواهد، که شرر خود را مانند صرصر که قوم عاد را فراگرفت، بر سر ظالمان ریزد (ص ۳۵۸، نک: همان، ۱۲۷، ۷۵۵)، (حاقه/۶)، (شمس/۱۱)، (اعراف/۷۶).

۱-۷-۷- عیسی

۱-۷-۷-۱- سکونت در آسمان

شاعر مقام امام رضا (ع) را در حدی می‌داند که طور حضرت موسی حریم او و عیسی ساکن آسمان را غلام قدیمی او محسوب می‌کند (همان، ۱۸۴). صفت گردون

نشینی عیسی از قرآن (نساء/۱۵۶) استنباط می‌شود (نک: همان، ۱۲۴۶).

۱-۷-۲- زنده کردن مردگان

خاک درگاه حرم امام رضا (ع) را مانند عیسای پیامبر حیات بخش می‌داند (همان، ۲۰). دکتر لقمان (از دوستان خود) را مانند عیسی زندگی بخش توصیف می‌کند (همان، ۶۳۲، ۶۳۷). در قصیده «ضمیران»، می‌گوید: وقتی آفتاب به آن نیلوفر ناامید تأیید، دل مایوس او را مانند مسیح زنده و امیدوار کرد. شاعر، در مقام فخر، نفس خود را مانند اعجاز عیسی حیات بخش می‌داند (همان، ۷۶۵، نک: ۶۹۳). در مثنوی «رفیق بد» می‌گوید: دوستانم با افیون برایم دارویی چون دم عیسی ساختند (نک: همان، ۱۱۰۰). برای رهایی ملت از مشکلات حل‌نشدنی، مردم را محتاج رهبری عیسی گونه می‌داند (نک: همان، ۱۲۴، ۱۳۸، ۳۲۱، ۱۱۶۰ و ۱۱۶۷).

شاعر در همه ابیات یاد شده، نظر به این آیه دارد که حضرت حق از قول مسیح می‌گوید: من کور مادر زاد و سپس را شفا می‌دهم و به اذن خدا مردگان را زنده می‌کنم (آل عمران/۴۹).

۱-۷-۸- موسی

۱-۷-۸-۱- موسی و عصا

عصای موسی سمبل حقیقت، قدرت و تأیید الهی است. شاعر قلم خود را به عصای موسی تشبیه کرده، جهل و نادانی را چون فرعون و سحر او می‌داند (همان، ۵۷۷). همچنین در دورانی که در سویس در بستر بیماری به سر می‌برد، در قصیده «به یاد صحبت اخوان» آرزو می‌کند کاش عصای فرعون حاضر بود و فرعون بیماری را می‌بلعید و او را نجات می‌داد (نک: همان، ۸۱۲)، نیز در قصیده «تأسف برگذشته» قلم خود را مانند عصای موسی می‌داند (نک: همان، ۷۹۱)، (اعراف/۱۰۷، ۱۱۷).

۱-۷-۸-۲- موسی و درخواست دیدن حق

بهار در بیتی می‌گوید: تا زمانی که از آدمی نشانی وجود دارد، هرگز خدا را نمی‌تواند ببیند: «لن ترانی است پاسخ ارنیش» (همان، ۸۳۲). این مطلب ناظر به داستان موسی در کوه طور است که به خدا گفت: خود را به من بنما (أرني أنظر اليك) و خداوند فرمود مرا هرگز نخواهی دید (لن ترانی)... آنگاه خدا بر کوه تجلی کرد و کوه تاب نیاورد و پاره پاره

شد و موسی مدهوش به زمین افتاد (نک: همان، ۱۶۴، ۱۲۵۰) (أعراف/۱۴۳).

۱-۸-۷-۳- موسی و آتش درخت

آتش موسی مظهر هدایت، زیبایی، درخشش و ... است. در قصیده «پاییز»، سرخی گل آذریون را در شب به آتش درخت موسی تشبیه می‌کند (نک: همان، ۲۲) و نیز در جایی دیگر می‌گوید: در هر دلی قبسی از نور کل وجود دارد (نک: همان، ۸۶۰، ۱۱۶۶، ۱۲۵۰). در قصیده «منکر عشق» می‌گوید: مادر در جستجوی دارو برای فرزندش چون موسی عمران در پی قبس است (نک: همان، ۱۳۸، ۸۱۳، ۱۱۴۸، ۱۱۶۰، ۱۲۱۲) (طه/۹)، (قصص/۲۹-۳۰).

۱-۸-۷-۴- موسی و شکافته شدن دریا

در وصف حرکت شتابان کشتی در امواج دریا می‌گوید: خط عبور این کشتی آهنین مثل راهی بود که موسی در دریا باز کرد (همان، ۵۲۸، نک: ۱۳۷، ۲۲۹، ۲۵۵)، (بقره/۵۰).

۱-۸-۷-۵- سحر سامری

سحر سامری در مقابل معجزه موسی مظهر دروغ و بطلان در برابر حقیقت است. بهار در مقام مقایسه فردوسی با انوری، شعر فردوسی را معجزه موسی و شعر انوری را سحر سامری می‌داند (همان، ۶۶۷). پیداست که با این تشبیه تفاوت عظیم اشعار این دو شاعر را به خوبی ترسیم کرده است. درباره پیچیدگی طبیعت زن می‌گوید: گاه چون موسی و گاه چون سامری است (نک: همان، ۱۰۴۰)، (طه/۸۳-۸۸).

۱-۸-۷-۶- ید بیضا

ید بیضای موسی مظهر و سمبل زیبایی و جمال است. بهار امور تحسین برانگیز از جمله شعر بیضایی (از شاعران معاصر بهار) را از جهت زیبایی و روشنی، به ید بیضا تشبیه کرده است (همان، ۷۳۳، نک: ۱۵، ۱۲۰، ۴۸۸ و ۴۹۷)، (شعراء/۳۳).

۱-۸-۷-۷- سرگردانی قوم موسی

شاعر در قصیده «تأسف بر گذشته» ناکامی و در بدری چهل ساله خود را به سرگردانی چهل ساله قوم موسی تشبیه کرده است (همان، ۷۹۱، ۲۷)، (مائده/۱۹).

۹-۷-۱- یعقوب

۱-۹-۷-۱- یعقوب و پیراهن یوسف

پیراهن یعقوب مظهر شفا، بینایی و هر امر دوست داشتنی است، زیرا بینایی را دوباره به یعقوب بازگرداند. شاعر نامه یکی از دوستان خود به نام پزشکی را چون پیراهن یوسف برای یعقوب می‌انگارد (همان، ۶۳۵، نک: ۸۱۲، ۶۲۵)، (یوسف/۹۳).

۱-۱۰-۷-۱- یوسف

۱-۱۰-۷-۱- یوسف و بدخواهی برادران

خود را از جهت فضایل به یوسف و بدخواهی رقیبان را به برادران یوسف مانند می‌کند (همان، ۱۱۴۵)، (یوسف/۵).

۱-۱۰-۷-۲- پیراهن دریده یوسف

در بیان رازی که برملا شده می‌گوید: این راز مانند پارگی پیراهن یوسف پنهان نمی‌ماند (همان، ۱۱۴۹)، (یوسف/۲۴).

۱-۱۰-۷-۳- ارزش یوسف برای یعقوب

یوسف از مصر سفر کرد و بدینجا آمد

گو به یعقوب که فرزند تو در خانه ماست (همان، ۱۱۵۴)
یعقوب در فراق یوسف آن قدر گریست که بینایی خود را از دست داد. از همین رو هر شیء عزیز و دوست داشتنی به یوسف تشبیه می‌شود (یوسف/۸۴).

۱-۱۰-۷-۴- ارزش یوسف

با توجه به قیمت ناچیزی که برای یوسف تعیین کردند، یوسف فروختن، به معنی فروش امری گرانبها به قیمت ارزان است. بهار کشور را به یوسف و سیاستمداران را به برادران او تشبیه می‌کند و از آنها می‌خواهد که آن را ارزان بفروشند (همان، ۱۱۸۴)، (یوسف/۲۰).

۱-۱۱-۷-۱- یونس

۱-۱۱-۷-۱- یونس و ماهی

در سفر به باکو خود و همراهان را به یونس و هواپیما را به ماهی تشبیه می‌کند. با این تفاوت که ماهی یونس در آب شناور بود، ولی ماهی آنها در هوا پرواز می‌کرد (همان،

۲- اهداف و زمینه‌های اقتباس از قرآن کریم در دیوان بهار

تأمل در ۱۲۸ آیه‌ای که در این تحقیق از دیوان بهار استخراج شده، نشان می‌دهد ۴۸ مورد از آنها با اهداف اعتقادی و دینی و ۸۰ مورد به قصد توصیفات شاعرانه به کار رفته است. بدین شکل که در آغاز دوره شاعری بهار مفاهیم قرآنی بسیار است و در خدمت اثبات و تأکید اعتقادات قرآنی و اسلامی قرار دارد، ولی رفته رفته این اقتباس کم می‌شود و در جهت تعبیرات شاعرانه برای توصیف امور طبیعی و عادی قرار می‌گیرد.

برای نمونه به سه مورد زیر اشاره می‌کنیم و سپس با ارائه نمودار شماره یک و دو سیر تحول اندیشه‌های قرآنی در حیات پنجاه ساله شعری او یعنی در فاصله سالهای ۱۲۸۰ تا ۱۳۳۰ نشان داده می‌شود.

نمونه اول، بهار دوبار و لقد جعلنا فی السماء بروجا و زیناها للناظرین و حفظناها من کل شیطان رجیم الا من استرق السمع فأتبعه شهاب مبین (الحجر/۱۶-۱۸) را در دو زمان مختلف به کار برده است. او در ۱۲۸۶ش با استفاده از این آیه فکر علی (ع) را از جهت تیزی و نفوذ به شهابهای آسمانی تشبیه کرده که به دنبال شیاطینند (نک: همان، ۱۳۷) و در ۱۳۲۰ش از حرکت سریع شهابهای آسمانی به دنبال شیاطین، برای تشبیه حرکت ماهی قرمز در آب چشمه فین کاشان استفاده کرده است (همان، ۷۳۹).

نمونه دیگر تعبیر دم عیسی است، شاعر این تعبیر قرآنی را سه بار در مدح امام رضا (ع) و علی (ع) در ۱۲۸۳ش (نک: همان، ۲۰) و ۱۲۸۵ش (نک: همان، ۱۲۴) و ۱۲۸۶ش (نک: همان، ۱۳۶) به کار برده است. ولی همین تشبیه را هفت بار دیگر در خدمت توصیف امور عادی زندگی قرار داده است. در ۱۲۹۶ش کمک ملت ایران را به مردم آمل در جریان آتش سوزی این شهر (نک: همان، ۱۳۱۲)، در ۱۳۱۲ش طبابت دکتر لقمان (نک: همان، ۶۳۲، ۶۳۷) در ۱۳۱۶ش خودش را در مقام فخر (نک: همان، ۶۹۳)، ۱۳۲۲ش برای آفتاب (نک: همان، ۷۶۵)، برای افیونی که دوستانش برای تسکین درد به او دادند (نک: همان، ۱۱۰۰) و قدرت اروپاییان (نک: همان، ۱۱۶۷).

نمونه سوم، بهار در یک مورد با تلمیح به آیه ۶۹ سوره انبیاء «آتش و گلستان

ابراهیم(ع)»، سیر در گلستان صفا را مشروط به عبور از آتش تسلیم و رضا دانسته است (نک: همان، ۱۱۷۷). ولی همین تعبیر را در چهار مورد برای توصیف گرمای شدید (نک: همان، ۹۹۸-۹۹۹)، شکوفه‌های سرخ در مناطق خشک جنوب (نک: همان، ۵۰۳)، گرمای آتش در مسیر سرد خراسان - تهران (نک: همان، ۲۵۵) و برای گرمای مسیر تهران - کاشان (نک: همان، ۹۹۹) مربوط به ۱۳۲۰ش به کار برده است.

به طور کلی در سه دهه اخیر عمر شاعر تعبیرات قرآنی در خدمت توصیفات شاعرانه و خالی از اهداف اعتقادی و دینی می‌شود. برای نمونه می‌توان بدین موارد اشاره کرد: تشبیه ازدحام مراسم ختم به صحرای محشر (نک: همان، ۱۲۳۴)، خر و پف یک دوست در هنگام خواب به صور اسرافیل (نک: همان، ۸۵۴)، هلهله مردم در مراسم اعدام یکی از اشرار به صور اسرافیل، تشبیه هواپیما به قالی سلیمان (نک: همان، ۷۶۷)، تشبیه قلم خود به عصای موسی (نک: همان، ۵۷۷)، تشبیه تاگور به حضرت سلیمان (نک: همان، ۹۶۱) و دهها مورد دیگر که کثرت آن در نمودار شماره دو آمده است.

۳- سیر تحول اندیشه‌های دینی و قرآنی بهار

با توجه به این نکته که تاریخ سرودن اشعار بهار در ابتدای هر شعر آمده است، به راحتی می‌توان تحولات فکری و عقیدتی شاعر را از مقایسه آثار او دریافت.

بهار سرودن شعر را در دوران جوانی با احراز جانشینی پدر یعنی مقام ملک الشعرائی آستان قدس شروع کرد. او در این مقام وظیفه داشت که در مناسبت‌های مختلف دینی و مذهبی در مدح پیامبر، امامان، تولیت آستان قدس و حاکمان دولت قاجار مدیحه بسراید.

وی هفت قصیده در مدح پیامبر (نک: همان، ۶، ۱۰۹، ۱۳۴، ۲۴۰، ۵۲۶، ۲۴۱، ۲۶۲)، هشت قصیده در ذکر مناقب علی(ع) و حادثه غدیر خم (نک: همان، ۱۹، ۵۱، ۱۰۶، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۴۰)، پنج قصیده در مدح امام رضا(ع) (نک: ص ۱۰، ۱۱۰، ۱۳۵، ۲۷۵، ۱۲۵۰) یک قصیده در مدح امام صادق (ص ۶۴۰)، یک قصیده در وصف حضرت فاطمه(ع) (ص ۱۵۴)، پنج قصیده درباره حضرت حجت(ع) (ص ۱۳، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۲، ۲۳۸) و پنج قصیده در رثای حسین(ع) (ص ۵۲، ۱۴۷، ۱۸۶، ۱۸۹) دارد که

همگی از آثار قدیم او و مربوط به دوران ملک الشعرائی اوست. اغلب آیات قرآنی و مفاهیم دینی و اسلامی در اشعار اولیه او دیده می‌شود.

شعر بهار، کم‌کم با مهاجرت به تهران، ورود به صحنه سیاست، چهار دوره نمایندگی مجلس، آشنایی با افکار غربی، آموختن زبان پهلوی و رهایی از قید و بند منصب ملک الشعرائی، رنگ و بویی جدید می‌یابد.

در نهایت، تحولات فکری او منجر به نوعی مبارزه با افکار سنتی حاکم می‌شود و در مسیر مبارزه با جهل و استبداد و دفاع از ارزشهای ملی و وطن پرستی قرار می‌گیرد. بنا به همین دلیل اشعار اولیه بهار حتی آنها که عنوان و موضوع دینی ندارد، پر از آیات قرآنی و مفاهیم دینی و معنوی است و اشعار سه دهه آخر عمر او خالی از این مفاهیم می‌گردد. از قرائن و شواهد این ادعا، اقدام بهار به انتشار روزنامه نوبهار است، این روزنامه ناشر افکار حزب دموکرات ایران بود (بهار، مهرداد، مقدمه دیوان، دوازده). این حزب معتقد به انفکاک سیاست از روحانیت، تقسیم املاک میان کشاورزان و... بود، مخالفان خود را ارتجاعی می‌دانست و احزاب مخالف نیز هواداران این حزب را تند رو دانسته، آنها را تکفیر می‌کردند (بهار، محمد تقی، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ۱۳۴).

۳-۲- تحول اعتقادی و دینی در افکار بهار

در این بخش به عنوان نمونه به دو موضوع قرآنی «حجاب» و «شراب خواری» در اشعار بهار نگاهی گذرا می‌اندازیم.

۳-۲-۱- مسأله حجاب

بهار در سالهای آخر عمر با مسأله حجاب مواجهه غیر دینی دارد و داشتن نقش اجتماعی زنان را با حجاب ناسازگاری می‌پندارد. او ضمن توصیه زنان به عفت و پاکدامنی از زنان می‌خواهد که از حصار پوشش سنتی خارج شده، قدم در عرصه‌های مختلف اجتماعی گذارند (نک: دیوان، ۹۳۴). در ۱۳۱۴ش یکی از افتخارات ایران را رهایی زنان می‌داند (نک: همان، ۷۳۹) و در تصنیف «زن با هنر» که در دستگاه سه‌گانه ساخته شده، از زنان می‌خواهد که از حجاب سنتی که مانع آگاهی و حیات آنهاست دست بردارند (نک: همان، ۱۳۲۱).

۳-۲-۲- حرمت شراب

بهار در مذمت شراب چند قصیده دارد (نک: همان، ۳۲۸، ۷۸۴، ۹۹۰). از جمله امری را شرانگیزتر از شراب نمی‌داند (نک: همان، ۳۲۸). ولی این حساسیت در اشعار پایانی او دیده نمی‌شود بلکه تلویحاً به خوردن شراب اشاره می‌کند (نک: همان، ۳۶۹، ۶۶۹).

۳-۲-۳- تصنیف سازی برای ترانه‌ها و آواز خوانان

بهار که شعر خود را با مدح پیامبر و امامان آغاز کرد، در دو دهه آخر عمر به اهمیت تصنیف سازی و نقش مهم و سازنده آن در ایجاد روح آزادگی و مبارزه با استبداد و استعمار پی می‌برد و برای آوازخوانان آن روزگار تصنیف‌هایی می‌سازد (نک: همان، ۱۳۰۶-۱۳۴۳) که به مردم حرکت، شور و نشاط و آگاهی می‌بخشد، به گونه‌ای که بعضی از آنها مثل «مرغ سحر» با اهداف اجتماعی، مبارزه با ستم و رهایی از جهل و نادانی برای همیشه در میان ایرانیان جاودان شده است.

۳-۳- تغییر محسوس در بسامد مفاهیم دینی و قرآنی

برای بررسی تحولات فکری او کفایت قصاید اولیه او را با اشعار اواخر عمرش مقایسه کنیم.

۳-۳-۱- قصیده ترانه ملی (۱۲۸۷ ش)

در این قصیده بیش از سی مفهوم دینی مثل «رحمت حق»، «دین کردگار»، «دین قویم»، «حجت دین»، «باری دین»... دیده می‌شود. نسبت ابیات این قصیده نسبت به مفاهیم دینی آن ۷۰ به ۳۰ است (نک: همان، ۱۵۱).

۳-۳-۲- قصیده فتح تهران (۱۲۸۷ ش)

در این قصیده که برای فتح تهران به دست مشروطه خواهان سروده شده، جمله‌های عربی گرفته شده از قرآن هذا فتح قریب، هذا نصر مبین، فبشر المؤمنین، فهذه النّائبات حق المشرکین، به حرمة المصطفی و آله الطاهیرین، دیده می‌شود و الفاظی چون «کردگار»، «حق»، «ایزد»، «ایمان»، «قهر خدا»، «خائن به دین» و... در آن بسیار است. نسبت در این قصیده ۲۱ به ۱۰ است (نک: همان، ۱۶۱).

۳-۳-۳- مسمط فتح آذربایجان (۱۲۸۷ش)

این مسمط با یک بیت عربی شروع می‌شود، پنج جمله عربی و قرآنی *دعهم فهم خاطئون، فلیستجیبوا لکم، ان کنتم صادقین، ان الله معک و لاتخف نیز دارد و پر از اصطلاحات دینی مثل «سالار دین»، «کار خدا»، «قهر خدا»، «علمای نجف» و... است (نک: همان، ۱۷۳).*

۳-۳-۴- مقایسه اشعار مذکور با دو قصیده از آخرین قصاید

از مقایسه اشعار یاد شده با قصیده «یک صفحه از تاریخ» مربوط به ۱۳۲۸ش (دو سال قبل از وفات شاعر) (نک: دیوان، ۸۱۷) و یا قصیده «به یاد وطن» که در ۱۳۲۷ش در سوئیس سروده شده است (نک: همان، ۸۰۶)، درمی‌یابیم که نه تنها در این اشعار خبری از آیات قرآن و مفاهیم آن وجود ندارد، بلکه مفاهیم دینی نیز به ندرت دیده می‌شود.

نکته قابل توجه در این بخش آنست که در این مقایسه اشعار مربوط به مدح پیامبر و امامان که قسمت قابل توجهی از اشعار اولیه بهار را تشکیل می‌دهد، مورد بررسی قرار نداده‌ایم، زیرا در این صورت نتیجه مقایسه اختلاف بیشتری را نشان می‌داد. دیگر اینکه در قصیده «به یاد وطن» که در غربت (سوئیس) و در بیمارستان و بستر بیماری و در سال‌های پیری و ناامیدی از زندگی سروده شده، عشق به ایران و نگرانی از آینده کشور چنان بر افکار او غالب است که پس از توصیف زیبایی‌های لزن (دهکده محل اقامت و معالجه او در سوئیس) و تاریک شدن منطقه در اثر ابر سیاه، با سوز و حسرت به یاد بزرگترین دغدغه حیات خود می‌افتد و می‌گوید:

تاریک شد آفاق توگفتی که به عمدا	یک باره زدند آتش صد تل جگن را
گم شد ز نظر آن همه زیبایی و آثار	وین حال فرا یاد من آورد وطن را
شد داغ دلم تازه که آورد به یادم	تاریکی و بد روزی ایران کهن را

در ادامه قصیده با ذکر افتخارات قهرمانان ایران باستان و پیروزیهای آنها، از گودرز و کورش و کمبوجیه... تا سربازان قلباش و فتوحات نادر، با عاطفه و احساسی قوی از عظمت گذشته ایران و درماندگی امروز آن با حسرت یاد می‌کند (نک: همان، ۸۰۶، نمودار شماره یک).

نتیجه

بهار در اشعار خود از قرآن و فرهنگ قرآنی اقتباس کرده است. این تأثیر پذیری به هفت گونه مختلف صورت گرفته است.

مهمترین اهداف او در اقتباس از قرآن کریم، در ابتدا ذکر موضوعات اعتقادی و اخلاقی است. در بخش تلمیحات، هدف شاعر ایجاد ارتباط موضوعات روزانه و طبیعی با حوادث مربوط به پیامبران است که با ژرف ساخت تشبیه و تمثیل صورت می‌گیرد. اقتباس از قرآن کریم در دوران اولیه شاعری بهار به دلیل داشتن مقام ملک الشعرايي آستان قدس و فضای ذهنی کاملاً دینی و اسلامی او بسیار زیاد است، این تأثیر قوی قرآن در همه اشعار این دوره او حتی اشعار مربوط به امور غیر دینی فراوان دیده می‌شود. اما در دوران اخیر عمر او با بروز تحولات فکری و اعتقادی سخت تقلیل می‌یابد و در خدمت توصیفات شاعرانه و خالی از اهداف معنوی و دینی قرار می‌گیرد و عشق به وطن، آزادی و صلح و مبارزه با استبداد جانشین عقاید دینی و مذهبی او می‌گردد.

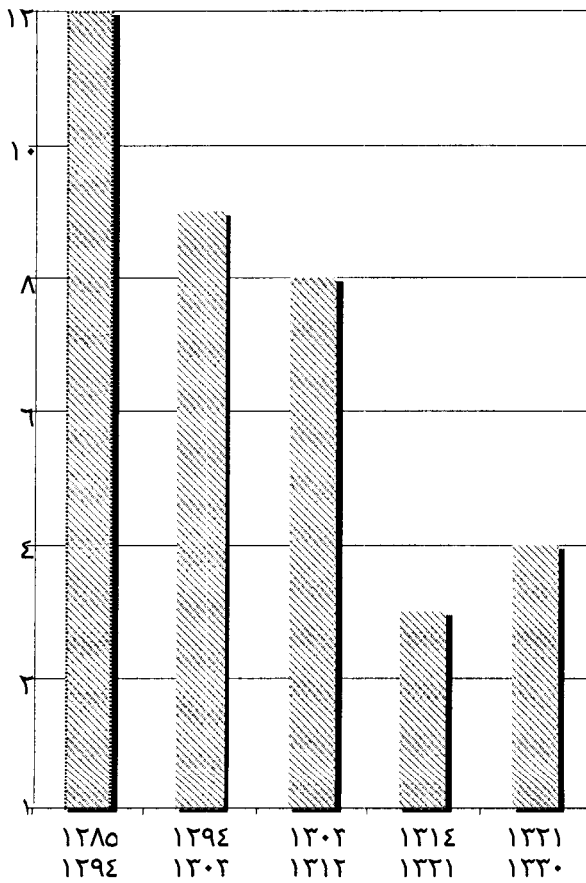
کتابشناسی

- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ش.
- آرین پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، زوار، ۱۳۷۲ش.
- بهار، محمد تقی، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۷ش.
- همو، دیوان، تهران، توس، ۱۳۶۸ش.
- بهار، مهرداد، نکه: بهار، محمد تقی، دیوان.
- ابراهیم، مصطفی، احمد حسن الزیات و... المعجم الوسیط، استانبول، المكتبة الاسلامية، بی تا.
- تفتازانی، سعد الدین، شرح السعد المسمی بمختصر المعانی، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۹ق.
- جازم، علی، امین، مصطفی، البلاغة الواضحة، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۳ق.
- شمیسا، سیروس، فرهنگ اشارات، تهران، فردوس، ۱۳۷۷ش.
- همو، فرهنگ تلمیحات، تهران، فردوس، ۱۳۷۸ش.
- همو، نگاهی تازه به بدیع، تهران، فردوس، ۱۳۶۸ش.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیة، بی تا.

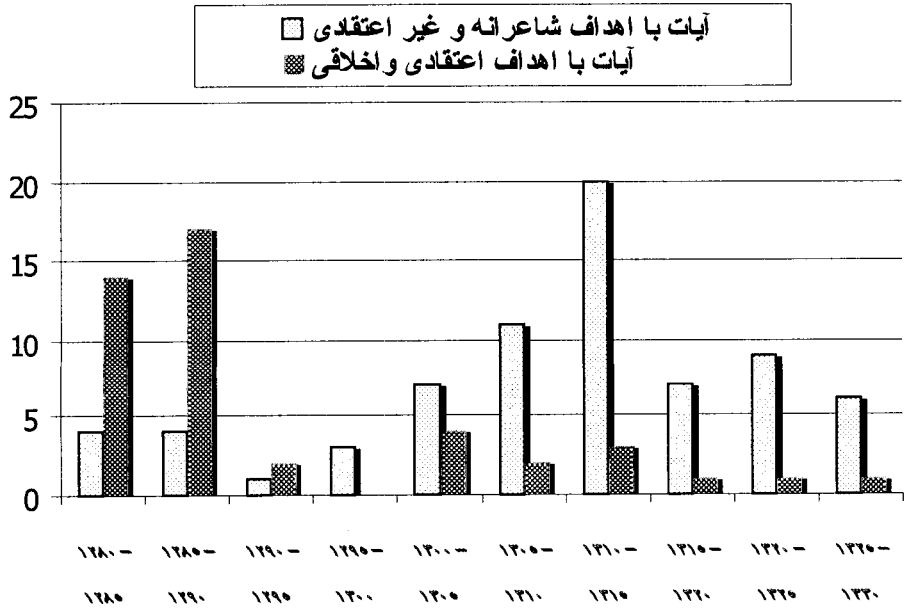
محمد فؤاد عبدالباقي، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم، قاهره، مطبعة دار الكتب
المصرية، ١٣٦٤ق.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ١٣٥٦ش.

همای، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، هما، ١٣٦٨ش.



نمودار شماره ۱، سیر نزولی استفاده از آیات در دیوان بهار در فاصله‌ی ۱۲۸۵-۱۳۳۰ش



نمودار شماره ۲، مقایسه اهداف بهار در استفاده از آیات قرآن در فاصله ۱۲۸۰-۱۳۳۰ش